



دانشگاه یزد

بازتاب سه آیین صعلوکی، عیاری و شوالیه‌گری در آینه ادبیات



مؤلفان:

دکتر رضا افخمی عقدا (عضو هیات علمی دانشگاه یزد)

فاطمه جمشیدی (دانشجوی دکتری دانشگاه یزد)

صفورا آموزگار (دانش آموخته کارشناسی ارشد دانشگاه یزد)

بازتاب سه آیین صعلوکی، عیّاری و شوالیه‌گری
در آینه‌ی ادبیّات

تألیف:

دکتر رضا افخمی عقدا
عضو هیأت علمی گروه زبان و ادبیات عربی دانشگاه یزد

فاطمه جمشیدی
دانشجوی دکتری زبان و ادبیات عربی دانشگاه یزد

صفورا آموزگار
دانش‌آموخته‌ی کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عربی دانشگاه یزد

سرناسه	: افخمی عقدا، رضا، ۱۳۴۳ -
عنوان و نام پدیدآور	: بازتاب سه آیین صلوکی، عیاری و شوالیه‌گری در آینه‌ی ادبیات/ تالیف رضا افخمی عقدا، فاطمه جمشیدی، صفورا آموزگار.
مشخصات نشر	: یزد، دانشگاه یزد، ۱۳۹۵.
مشخصات ظاهری	: ۳۸۰ ص.
شابک	: 978-600-8571-15-6
وضعیت فهرست نویسی	: فیبا
موضوع	: فتوت در ادبیات
موضوع	: Futuwwa (Islamic social groups) in literature
موضوع	: صعالیک، Saalikans
موضوع	: ادبیات فارسی -- تاریخ و نقد
موضوع	: Persian Literature -- History and criticism
موضوع	: شعر عربی -- پیش از اسلام -- تاریخ و نقد
موضوع	: Arabic poetry -- To 622 -- History and criticism
موضوع	: شعر عربی -- قرن ۱ق. -- تاریخ و نقد
موضوع	: Arabic poetry -- 7th century -- History and criticism
موضوع	: شوالیه و شوالیه‌گری در ادبیات
موضوع	: Knights and knighthood in literature
شناسه افزوده	: جمشیدی، فاطمه، ۱۳۶۴ -
شناسه افزوده	: آموزگار، صفورا، ۱۳۶۵ -
شناسه افزوده	: دانشگاه یزد
شناسه افزوده	: Yazd University
رده بندی کنگره	: ۴۰۰۹PIR الف ۷/۱۳۹۵
رده بندی دیویی	: ۸۳۵۳۰۸۶
شماره کتابشناسی ملی	: ۴۵۰۵۴۷۶
کد پیگیری	: ۴۵۰۳۹۰۰

مرکز انتشارات دانشگاه یزد

یزد، صفائیه، بلوار دانشگاه، صندوق پستی ۷۴۱-۸۹۱۹۵ تلفن: ۹-۳۸۲۱۱۶۷۰-۳۵

دورنگار ۳۸۲۰۰۱۲۶-۳۵

عنوان: بازتاب سه آیین صلوکی، عیاری و شوالیه‌گری در آینه ادبیات
تألیف: دکتر رضا افخمی عقدا، فاطمه جمشیدی، صفورا آموزگار
ویراستار: زهرا آقابگی
ناشر: انتشارات دانشگاه یزد
لیتوگرافی، چاپ و صحافی: قم، چاپ هم میهن ۹۱۲۶۵۱۶۳۹۲
نوبت چاپ: اول
سال چاپ: ۱۳۹۵
شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
قیمت پشت جلد: ۲۰۰۰۰۰ ریال
شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۸۵۷۱-۱۵-۵
شماره ثبت ارشاد: ۹۵-۴۲۷
مراکز پخش:
۱- موسسه کتابیران: تهران، خیابان لبافی نژاد، بین فروردین و اردیبهشت، پلاک ۲۳۸
تلفن: ۶۶۴۹۴۴۰۹-۶۶۴۱۱۱۷۲-۲۱
۲- کتابفروشی شهر کتاب: یزد، میدان آزادی، ابتدای خیابان فرخی،
تلفن: ۳۶۲۷۱۵۳۸-۹-۳۵

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
پیش‌گفتار.....	۱.....
فصل اول: صعاليک (بلند همتان خاک نشين)	
مقدمه.....	۱۶.....
۱-۱- بررسی واژه جاهليت.....	۱۷.....
۱-۲- موقعيت جغرافيايي شبه جزيره عربستان.....	۱۹.....
۱-۳- ویژگی‌های عصر جاهلي.....	۲۱.....
۱-۴- ساختار اجتماعي و سياسي عصر جاهلي.....	۲۲.....
۱-۵- تعصب میان افراد قبیله جاهلي.....	۲۳.....
۱-۶- فردگرایی و خودگرایی.....	۲۴.....
۱-۷- حمیت و غرور.....	۲۵.....
۱-۸- رهبری گروه اجتماعي.....	۲۶.....
۱-۹- ساختار اقتصادي عصر جاهلي.....	۳۲.....
۱-۱۰- بررسی لغوی واژه صعلوک.....	۳۸.....
۱-۱۱- طبقه بندی صعاليک.....	۴۳.....
۱-۱۲- اسباب ظهور پدیده «الصعلکة».....	۴۶.....
۱-۱۳- صفات صعاليک.....	۴۷.....

- ۴۸..... ۱۴-۱- اصول اخلاقی صعالیک
- ۵۱..... ۱۴-۱- ۱- از خودگذشتگی
- ۵۴..... ۱۴-۱- ۲- مبارزه با ظلم
- ۵۵..... ۱۴-۱- ۳- ذکاوت
- ۵۵..... ۱۴-۱- ۴- شجاعت و جنگاوری
- ۵۸..... ۱۴-۱- ۵- پرورش نیروی بدنی و قوای جسمانی
- ۶۲..... ۱۴-۱- ۶- کسب معیشت از طریق راهزنی
- ۶۳..... ۱۴-۱- ۷- اتکا به خود و عدم طمع به مال دیگران
- ۶۴..... ۱۴-۱- ۸- اتحاد با دیگر صعالیک و کمک به آنها
- ۶۷..... ۱۴-۱- ۹- نامجویی
- ۶۸..... ۱۴-۱- ۱۰- شکیبایی و استقامت
- ۶۹..... ۱۴-۱- ۱۱- راز داری
- ۷۰..... ۱۴-۱- ۱۲- مهمان‌نوازی
- ۷۱..... ۱۵-۱- ویژگی‌های شعر جاهلی
- ۷۴..... ۱۶-۱- نگاهی به زندگی چند صلوک معروف
- ۷۵..... ۱۶-۱- ۱- عروۃ بن الورد
- ۸۲..... ۱۶-۱- ۲- تأبط شراً
- ۸۷..... ۱۶-۱- ۳- الشنفری
- ۸۹..... ۱۶-۱- ۴- السلیک بن السلکة
- ۹۰..... ۱۶-۱- ۵- ابوالطمحان القینی
- ۹۲..... ۱۷-۱- شعر صعالیک و اغراض آن
- ۹۲..... ۱۷-۱- ۱- خطر پذیری

- ۱۷-۱ - ۲ - تسلیم شدن در برابر مرگ و تقدیر ۹۵
- ۱۷-۱ - ۳ - وصف ادوات جنگی ۹۶
- ۱۷-۱ - ۴ - وصف کمین‌گاه ۱۰۲
- ۱۷-۱ - ۵ - رویگردانی از قبیله ۱۰۵
- ۱۷-۱ - ۶ - تشویق به عدم پذیرش ظلم ۱۰۶
- ۱۷-۱ - ۷ - انس گرفتن با حیوانات ۱۰۷
- ۱۷-۱ - ۸ - دوستی شدید و دشمنی شدید ۱۰۸
- ۱۷-۱ - ۹ - تحمل سختی‌ها و عدم پذیرش منت و خواری ۱۰۸
- ۱۷-۱ - ۱۰ - وصف صحرا ۱۰۹
- ۱۷-۱ - ۱۱ - توصیف اسب و مرکب ۱۱۰
- ۱۷-۱ - ۱۲ - پیوند و وابستگی خاطر ۱۱۲
- ۱۷-۱ - ۱۳ - سیر و سلوک در صحرا ۱۱۳
- ۱۷-۱ - ۱۸ - خصوصیات فنی شعر صعالیک ۱۱۶
- ۱۸-۱ - ۱ - ایجاز ۱۱۶
- ۱۸-۱ - ۲ - وحدت موضوعی ۱۱۷
- ۱۸-۱ - ۳ - سخن گفتن با همسر بدون گریه بر ویرانه‌ها ۱۱۷
- ۱۸-۱ - ۴ - شیوه داستانی ۱۱۹
- ۱۸-۱ - ۵ - واقع‌گرایی ۱۱۹
- ۱۸-۱ - ۶ - هماهنگی لفظ با موضوع ۱۲۰

فصل دوم: عیاران (دزدان جوانمرد)

- مقدمه ۱۲۴

- ۱۲۹..... ۲-۱ - بررسی لغوی واژه عیار
- ۱۳۲..... ۲-۲ - پیشینه عیاری در ایران
- ۱۴۱..... ۲-۳ - سیر تحول جنبش‌های عیاران در ایران
- ۱۴۴..... ۲-۴ - تشکیلات سازمانی عیاران
- ۱۴۷..... ۲-۵ - آداب و مراحل پیوستن به عیاران
- ۱۵۰..... ۲-۶ - شرایط و صفات عیاری
- ۱۵۷..... ۲-۶-۱ - رازداری، راستی و امانت‌داری
- ۱۵۹..... ۲-۶-۲ - یاری درماندگان و فداکاری
- ۱۶۰..... ۲-۶-۳ - بی‌نیازی جستن
- ۱۶۰..... ۲-۶-۴ - دوستی شدید و دشمنی شدید
- ۱۶۳..... ۲-۶-۵ - عدالت و دادگستری
- ۱۶۴..... ۲-۶-۶ - ماندن در بیابان
- ۱۶۵..... ۲-۶-۷ - برادر خواندگی و خواهر خواندگی
- ۱۶۵..... ۲-۶-۸ - ذکاوت
- ۱۶۲..... ۲-۶-۹ - نامجویی
- ۱۶۶..... ۲-۶-۱۰ - مهمان‌نوازی
- ۱۶۶..... ۲-۶-۱۱ - شجاعت و جنگاوری
- ۱۶۷..... ۲-۶-۱۲ - صبر و استقامت
- ۱۶۷..... ۲-۶-۱۳ - پرورش نیروی بدنی و قوای جسمانی
- ۱۶۹..... ۲-۶-۱۴ - کسب معیشت از طریق راهزنی
- ۱۷۰..... ۲-۷ - سوگند عیاران
- ۱۷۱..... ۲-۸ - لباس و پوشش عیاران

- ۱۷۲..... ۲- ۹- سلاح عیاران
- ۱۷۹..... ۲- ۱۰- نقش زنان در داستان‌های عیاری
- ۱۸۱..... ۲- ۱۱- مرکب عیاران
- ۱۸۳..... ۲- ۱۲- معرفی برجسته‌ترین عیاران ایران
- ۱۸۳..... ۲- ۱۲- ۱- یعقوب لیث صفاری
- ۱۸۷..... ۲- ۱۲- ۲- ابومسلم خراسانی
- ۱۹۳..... ۲- ۱۲- ۳- ازهر بن یحیی
- ۱۹۴..... ۲- ۱۲- ۴- امیرطاهر
- ۱۹۵..... ۲- ۱۲- ۵- مهذب
- ۱۹۶..... ۲- ۱۳- آیین‌های نشأت گرفته از عیاری
- ۱۹۹..... ۲- ۱۴- نگاهی به بازتاب آیین عیاری در ادبیات فارسی
- ۲۰۱..... ۲- ۱۵- داستان سمک عیار
- ۲۰۴..... ۲- ۱۵- ۱- شیوه نگارش داستان
- ۲۰۵..... ۲- ۱۵- ۲- خلاصه داستان
- ۲۰۶..... ۲- ۱۶- شخصیت‌های داستان
- ۲۰۶..... ۲- ۱۶- ۱- سمک
- ۲۰۸..... ۲- ۱۶- ۲- شغال پیرزور
- ۲۰۹..... ۲- ۱۷- محتوای داستان
- ۲۱۰..... ۲- ۱۸- نام‌ها در داستان
- ۲۱۲..... ۲- ۱۹- عناصر عیاری در داستان سمک عیار
- ۲۱۲..... ۲- ۱۹- ۱- از خود گذشتگی
- ۲۱۳..... ۲- ۱۹- ۲- ظلم‌ستیزی

- ۲۱۴ ۲- ۱۹- ۳ - حیل‌ها و ترفندهای عیاری
- ۲۱۵ ۲- ۱۹- ۴ - زیرکی
- ۲۱۶ ۲- ۱۹- ۵ - جنگاوری و دلاوری
- ۲۱۶ ۲- ۲۰- داستان «ابومسلم‌نامه»
- ۲۱۶ ۲- ۲۱- معرفی داستان
- ۲۱۸ ۲- ۲۲- زمان تألیف «ابومسلم‌نامه»
- ۲۲۰ ۲- ۲۳- عناصر عیاری در «ابومسلم‌نامه»
- ۲۲۰ ۲- ۲۳- ۱- از خود گذشتگی
- ۲۲۱ ۲- ۲۳- ۲- شجاعت
- ۲۲۲ ۲- ۲۳- ۳- حیل‌ها و ترفندهای عیاری
- ۲۲۳ ۲- ۲۳- ۴- کینه‌توزی و خشونت

فصل سوم: شوالیه‌ها (جوانمردان غرب)

- ۲۲۶ مقدمه
- ۲۲۷ ۳- ۱- ورود آیین عیاری و جوانمردی به اروپا
- ۲۳۰ ۳- ۲- بررسی لغوی واژه شوالیه
- ۲۳۲ ۳- ۳- آداب و نحوه ورود به شوالیه‌گری
- ۲۴۴ ۳- ۴- رقابت‌های رزمی
- ۲۴۵ ۳- ۵- نشان خانوادگی
- ۲۴۵ ۳- ۶- سلاح شوالیه‌ها
- ۲۴۷ ۳- ۷- توجه به زنان در میان شوالیه‌ها
- ۲۵۱ ۳- ۸- معنویت در شوالیه‌گری

- ۲۵۲..... ۳- ۹ - فرقه‌های شوالیه‌ها
- ۲۵۳..... ۳- ۱۰ - اصناف شوالیه‌ها
- ۲۵۵..... ۳- ۱۱ - فروپاشی شوالیه‌ها
- ۲۵۷..... ۳- ۱۲ - شوالیه‌ها در ادبیات غرب
- ۲۶۲..... ۳- ۱۳ - ادبیات سده میانه اروپا
- ۲۶۳..... ۳- ۱۳ - ۱ - ادبیات فرانسه در سده‌های میانه
- ۲۶۵..... ۳- ۱۳ - ۱ - ۱ - منظومه‌های حماسی یا شانسون دوژست‌ها و تطوّر آنها
- ۲۶۸..... ۳- ۱۲ - ۱ - ۲ - بنیاد شانسون دوژست‌ها
- ۲۶۹..... ۳- ۱۳ - ۱ - ۳ - ساختار و محتوای شانسون دوژست‌ها
- ۲۷۱..... ۳- ۱۳ - ۱ - ۴ - شانسون دورولان
- ۲۷۲..... ۳- ۱۳ - ۲ - ادبیات انگلیس در سده‌های میانه
- ۲۷۵..... ۳- ۱۳ - ۳ - ادبیات اسپانیا
- ۲۸۱..... ۳- ۱۴ - نگاهی به زندگی چند شوالیه معروف
- ۲۸۱..... ۳- ۱۴ - ۱ - رولان
- ۲۸۲..... ۳- ۱۴ - ۲ - آرتور شاه
- ۲۸۳..... ۳- ۱۴ - ۳ - شارلمانی
- ۲۸۴..... ۳- ۱۴ - ۴ - تریستان
- ۲۸۵..... ۳- ۱۴ - ۵ - پرسیوال
- ۲۸۶..... ۳- ۱۴ - ۶ - لانسلو
- ۲۸۶..... ۳- ۱۴ - ۷ - رایین هود
- ۲۸۷..... ۳- ۱۴ - ۸ - زورو
- ۲۸۸..... ۳- ۱۵ - نمود جوانمردی در ادبیات اروپا

- ۳-۱۶- معرفتی شانسون دورولان ۲۸۸
- ۳-۱۶-۱- معرفتی داستان ترستان و ایزوت ۲۹۵
- ۳-۱۶-۲- معرفتی داستان پرسيوال يا جام گرال ۲۹۸
- ۳-۱۶-۳- معرفتی داستان لانسلو يا شوالیه ازابه سوار ۳۰۱
- ۳-۱۷- نمود عناصر شوالیه‌گری در داستان‌های سرود رولان ۳۰۳
- ۳-۱۷-۱- زیرک بودن و فن استفاده از سلاح‌ها ۳۰۳
- ۳-۱۷-۲- آرایش نظامی شوالیه‌ها ۳۰۴
- ۳-۱۷-۳- رجز خوانی ۳۰۵
- ۳-۱۷-۴- پوشش و ابزارهای جنگی ۳۰۸
- ۳-۱۷-۵- اهمیت شرافت و تبار نزد شوالیه‌ها ۳۱۰
- ۳-۱۷-۶- اثبات شجاعت از سوی دیگر شوالیه‌ها ۳۱۱
- ۳-۱۷-۷- جنگاوری و دلیری ۳۱۲
- ۳-۱۷-۸- انگیزه‌های عاشقانه و نقش زنان ۳۱۴
- ۳-۱۷-۹- نقش مذهب ۳۱۹
- ۳-۱۷-۱۰- بی‌اهمیت بودن سرزمین و توجه به خدمتگزاری پادشاه ۳۲۳
- ۳-۱۷-۱۱- رابطه با حکومت مرکزی و جایگاه شوالیه در تقابل پادشاه و ملت ۳۲۵
- ۳-۱۸- معرفتی داستان رابین‌هود ۳۲۶
- ۳-۱۹- عناصر شوالیه‌گری در داستان رابین‌هود ۳۲۷
- ۳-۱۹-۱- شجاعت و دلیری ۳۲۸
- ۳-۱۹-۲- ظلم‌ستیزی و روحیه تدافعی ۳۲۹
- ۳-۱۹-۳- ذکاوت ۳۳۰
- ۳-۱۹-۴- امرار معاش از طریق دزدی و شکار ۳۳۱

- ۳۳۲..... ۳- ۱۹- ۵- محبوبیت عمومی
- ۳۳۳..... ۳- ۱۹- ۶- پاکدامنی
- ۳۳۴..... ۳- ۱۹- ۷- گرایش به زنان
- ۳۳۵..... ۳- ۲۰- معرفی داستان زورو
- ۳۳۶..... ۳- ۲۱- عناصر شوالیه‌گری در داستان زورو
- ۳۳۷..... ۳- ۲۱- ۱- ظلم‌ستیزی
- ۳۳۸..... ۳- ۲۱- ۲- محبوبیت زورو
- ۳۳۸..... ۳- ۲۱- ۳- ذکاوت
- ۳۳۹..... ۳- ۲۱- ۴- زورو و زنان
- ۳۴۱..... جمع‌بندی و خلاصه فصل‌ها
- ۳۴۹..... فهرست منابع
- ۳۶۷..... واژه‌نامه
- ۳۷۵..... نمایه

پیش‌گفتار

حرکت و جنبش، پدیدآورنده‌ی زندگی است. هر چه دچار رکود و ایستایی شود، دیری نمی‌پاید که در حاشیه‌ی زمان، به دست فراموشی سپرده می‌شود. جامعه نیز همچون سایر پدیده‌های دنیا، از اصل تغییر و جنبش مستثنی نبوده و همواره در حال تحول و دگرگونی است. در واقع همین دگرگونی‌هاست که جامعه را می‌سازد و به زندگی جمعی معنا می‌دهد و آن را از رکود و تبدیل شدن به مردابی متعفن، باز می‌دارد. هرچند گاهی این دگرگونی‌ها موجب به وجود آمدن بی‌نظمی موقت در جامعه شده و حتی در مواردی تهدیدی برای امنیت جمعی به شمار می‌آید، اما به طور کلی لازمه‌ی سامان بخشی و اصلاح نظام اجتماعی نیز هست؛ چرا که غالباً این تحولات و جنبش‌های برخاسته از سر اعتراض، زمانی به وجود می‌آیند که سردمداران اجتماع و طبقات مرفه جامعه به نوعی آزادی و استقلال سایرین را هدف قرار می‌دهند یا به شخصیت انسانی و اجتماعی آن‌ها توهین می‌کنند. اصولاً زمانی جوامع با بی‌هنجاری روبه‌رو می‌شوند که در برابر محدودیت‌های اخلاقی قرار نگیرند یا اینکه تصور روشنی از رفتارهای مقبول و نامقبول نداشته باشند. همه گروه‌ها و جوامع، برای رفتارهای مورد انتظار خود هنجارها و قوانینی وضع می‌کنند که نقض قانون یا هنجار مهم اجتماعی، اخلاق عمومی را برآشفته می‌کند و در این شرایط اعضای اجتماع برای مقابله با تخلف متحد می‌شوند.^۱

از آن‌جا که حرکت و رفتار اعتراض‌آمیز صعالیک عرب، عیاران ایران و شوالیه‌های غرب نیز نوعی جنبش و هنجارشکنی اجتماعی تلقی می‌شود که در پاسخ به نابرابری‌های موجود در جامعه به وجود آمده است، بر آن شدیم تا در مقدمه این اثر، نگاهی به

^۱ - تیم دلیلی، ۱۳۸۷، صص ۱۵۵ - ۱۵۷.

جامعه‌شناسی این جنبش‌ها داشته باشیم و به توضیح کوتاهی در مورد پدیده‌های مرتبط با آن بپردازیم؛ چرا که انسان موجودی اجتماعی است و تنها با حضور در متن «جامعه» می‌تواند به عنوان فردی انقلابی و پویا تلقی شود و به اهداف خود جامه‌ی عمل ببوشاند. جامعه بنا به شناخته شده‌ترین تعریف در علوم اجتماع، مجموعه‌ای از انسان‌هاست که برای برآورده شدن نیازها تن به یک زندگی مشترک داده و برای برقرار ماندن این زندگی جمعی، همگی به یک سلسله ارزش، عقیده، ایده و آرمان پایبندند.^۱

اصول سه گانه مجموعه انسان‌ها، برآورده کردن نیازها و پایبندی به یک سلسله ارزش‌ها از جمله اصولی است که بخشی و یا همه آن‌ها در تعاریف مختلف جامعه‌شناسان از جامعه به چشم می‌خورد، چنان که برخی از جامعه‌شناسان به جامعه به عنوان یک پدیده‌ی فیزیکی می‌نگرند و عقیده دارند که «جامعه حاصل جمع و یا حاصل ضرب نیروها، جنگ و ستیز اجتماعی و نیز برخورد نیروهاست»، اما از دیدگاه جامعه‌شناسانی چون «گیدنیگز»، «جامعه، دسته‌ای از مردم هستند که به خاطر نیل به هدف عام المنفعه‌ای در حال همکاری و تعاونند». «ساموئل کینگ» نیز بر این باور است که «می‌توان گفت جامعه، مجموعه‌ای از افرادی است که بر اثر آداب و رسوم و شیوه‌های زندگی و فرهنگ مشترک، به یکدیگر پیوسته‌اند و در آن جامعه، هر فرد احساس می‌کند که به آن تعلق دارد.»^۲

اگرچه اجتماعات کوچک و بزرگ انسانی که از دیرباز تا کنون وجود داشته‌اند، تا حد زیادی منسجم و هماهنگ بوده و اعضای آن به قوانین و ارزش‌های تصویب شده‌ی گروه گردن می‌نهادند، اما گاهی در همین جوامع و اجتماعات، اموری پیش می‌آید که باعث می‌شود برخی افراد به تخلف و نافرمانی از قوانین مورد قبول و

^۱ - ابن منظور، بی‌تا، ذیل جمع، و انیس و دیگران، ۱۴۲۷هـ ذیل جمع.

^۲ - مجموع نویسندگان، ۱۳۶۷، صص ۲۵۷ - ۲۶۰.

پذیرفته شده پردازند و در پی تحوّل و تغییر دادن نظام ارزشی و حاکمیت آن برآیند؛ چرا که همواره، حتی در کوچکترین گروه‌ها و اجتماعات، باید قوانین و ملاک‌هایی وجود داشته باشد تا به رفتار افراد سامان بخشد و از بی‌نظمی، اغتشاش و پراکندگی در گروه جلوگیری کند. این ملاک‌ها که در اصطلاح جامعه‌شناسی هنجار «Norm»، خوانده می‌شود، به آن دسته از الگوهای رفتاری گفته می‌شود که لازمی کنترل روابط و کنش‌های اجتماعی هستند و با رعایت کردن آن‌ها، جامعه انتظام پیدا می‌کند و اگر کسی، هنجار جامعه یا گروه را رعایت نکند، مورد سرزنش و حتی مجازات قرار می‌گیرد.^۱ این هنجارها غالباً برای تحقق بخشیدن به اهدافی طراحی می‌شوند که به آن «ارزش» گفته می‌شود. ارزش اجتماعی (social norms) چیزی است که مورد پذیرش همگان بوده و واقعیت‌ها و اموری را تشکیل می‌دهد که مطلوبیت دارند و مورد خواست و آرزوی اکثریت افراد جامعه هستند.^۲ یکی از انواع این مجازات‌هایی که در صورت رعایت نکردن هنجارها و یا مانع تراشی برای تحقق ارزش‌های مورد نظر گروه در بیشتر اجتماعات در نظر گرفته می‌شود، طرد از جامعه و رانده شدن از میان مردم است، به این معنی که جامعه، فرد را در میان خود نمی‌پذیرد و او را وادار می‌کند جامعه را ترک کند و یا از سایرین کناره بگیرد.

هنجارشکنی، به عوامل متعددی بستگی دارد و در مواقعی به وقوع می‌پیوندد که اموری به نارضایتی شدید فرد یا افرادی از جامعه منجر شود. به گونه‌ای که حتی فرد حاضر است جان خود را به خطر اندازد تا بر شرایط حاکم، سایه‌ی تغییر و تحوّل بیفکند.^۳ هنجارشکنی مصادیق گوناگون داشته و به عوامل گوناگونی بستگی دارد. تأثیر

^۱ - تریان‌دیس، ۱۳۸۳، ۱۶۶.

^۲ - همان، ۱۸۱.

^۳ - همان، ۳۱۹.

محیط جغرافیایی در زندگی انسان موجب شده تا برخی پژوهشگران در اهمیت عامل جغرافیایی مبالغه ورزند و برای توجیه هنجارشکنی‌ها و انحرافات، تعادل آب و هوایی و اوضاع جغرافیایی را در تعادل روحی و فکری افراد مؤثر دانسته، به این باور برسند که رفتار فردی و اجتماعی انسان تابع محیط طبیعی است و کسانی که در مناطق غیر معتدل زندگی می‌کنند، آمادگی بیشتری برای گرایش به انحراف از خود نشان می‌دهند. شواهدی وجود دارد که نشان می‌دهد هر نوع برانگیختگی همچون برانگیختگی به واسطه‌ی هوای گرم و مرطوب، توهین، حذف پاداش مرسوم، محرومیت و حتی گرسنگی می‌تواند رفتار خشونت‌آمیزی که غالباً مبنای هنجار شکنی قرار می‌گیرد را تسهیل بخشد^۱. هرچند امروزه گستردگی دانش بشر به حدی رسیده که طبیعت را به گونه‌ای شگفت‌آور مسخر گردانیده، اما اگر به گذشته نگاهی بیندازیم، مصادیق زیادی بر اثبات این مدعا می‌یابیم. زندگی صعالیک و عصیانگری اجتماعی آنان که در طبیعتی خشن و بی‌رحم می‌زیسته‌اند، می‌تواند مثال بارزی برای این نوع رفتار باشد. از دیگر امور مهمی که باعث هنجار شکنی اجتماعی می‌گردد، می‌توان از عامل اقتصادی نام برد. با مطالعه‌ی مختصری در رابطه با جنبش‌ها و حرکت‌های اجتماعی اعتراض‌آمیز، به راحتی در می‌یابیم که رابطه‌ی فقر و جنبش‌های اجتماعی در طول تاریخ همیشه رابطه‌ای مستقیم و پایدار بوده است. بیشتر محرومیت‌ها و برآورده نشدن تمایلات که موجب عدم اطمینان اجتماعی می‌شود، ناشی از عامل فقر است. بیکاری، کمبود مواد غذایی و پوشاکی، جهل و خرافات و انواع بیماری‌های روحی و جسمی و حتی در سطح جهانی جنگ‌ها و خونریزی‌ها ریشه در نیازهای مادی، ترس و فقر داشته و انواع بی‌رحمی و خونریزی‌ها را در طبقات مرفه و مسلط جامعه سبب می‌شود. هنگامی که رحم و

^۱ - تریاندیس، ۱۳۸۳، ص ۳۲۹.

انسان‌دوستی در طبقات بالای اجتماع به علت نفع‌پرستی و حرص و ولع برای رفاه بیشتر فراموش می‌شود، نمی‌توان از طبقات محروم انتظار دوستی و رحم و شفقت داشت. فقر و تنگدستی واقعی افراد را به ستیزه‌جویی، انتقام و دشمنی نسبت به جامعه می‌کشاند. در حقیقت فقر یکی از پدیده‌های اجتماعی است که از دیرباز تا کنون در همه‌ی جوامع وجود داشته و توجه جامعه شناسان را به خود جلب کرده است.^۱ عاملی که می‌تواند فقر را در جامعه فراگیر نماید و موجب به وجود آمدن فاصله‌ی طبقاتی میان افراد شود، نظام اقتصادی حاکم بر جامعه است که در صورت عدم موفقیت در توزیع عادلانه‌ی منابع مفید میان افراد، می‌تواند جامعه را درگیر تبعاتی جبران‌ناپذیر نماید. گفتنی است که متأسفانه، عدم رعایت عدالت در تقسیم ثروت‌های اجتماعی از دیرباز تاکنون معضلی فراگیر در جوامع مختلف بوده است و تضاد اقتصادی همواره عامل به وجود آورنده‌ی جنبش‌های اجتماعی بوده و خواهد بود.

یکی از مهم‌ترین پیامدهای فقر، ظلمی است که افراد بشر و مخصوصاً حکومت‌ها و قدرتمندان بر جان طبقات زیر دست جامعه روا داشته و زندگی آن‌ها را به تباهی کشیده‌اند. از این رو می‌توان گفت منشأ تباهی‌ها و خرابی‌های اقتصادی کنونی بشر، از نظر قرآن و منطق و عقل و علم همان عصیان ستمکاران است و باید اذعان کرد که برای اصلاح و بارور کردن یک نظام اقتصادی صالح و سالم، نخست باید به اصلاح انسان پرداخت، بخصوص اینکه بر اساس تعالیم اسلامی، اقتصاد را باید همگام با اعتقاد و همبسته با اخلاق، طرح و اجرا نمود.^۲ در رابطه با پیوند ثروت و جنبش‌های اجتماعی باید گفت که اسلام، تراکم و تکاثر ثروت را محکوم می‌کند و با آن به مبارزه

^۱ - رجیبی و همکاران، ۱۳۸۴، ص ۸۴، برای مطالعه‌ی بیشتر رجوع کنید به کتاب جامعه‌شناسی آنتونی گیدنز.

^۲ - مجموع نویسندگان، ۱۳۷۹، ص ۶۵.

برمی خیزد و آن را موجب فتنه و فساد، تباهی و هلاکت موازین انسانی و نظام صالح اقتصادی می داند؛ امام علی (ع) در این راستا می فرمایند، «ما رأیتُ نعمةً موفورةً إلاّ وفی جنبها حقٌّ مُضیعٌ» (نعمت و ثروت فراوان و انباشته‌ای را ندیدم، جز اینکه در کنار آن حقی ضایع شده و به یغما رفته است)^۱. امام صادق (ع) نیز می فرمایند: إنَّ الناسَ ما افتَقَدُوا ولا احتَاجُوا ولا جَاعُوا ولا عَرَوُوا إلاّ بِذُنُوبِ الأَغنیاءِ^۲ (مردم گرفتار فقر و احتیاج و گرسنگی و برهنگی نمی‌شوند، مگر به خاطر عصیان و حق‌کشی ثروتمندان). حکومت‌ها نیز اعم از رئیس طایفه، قبیله، حاکم، پادشاه و... از عوامل مهم تأمین عدالت و یا گسترش نابسامانی و ستم هستند. گاهی، مسئولان و سردمداران جوامع، برای اجرای قوانین جامعه، به خشونت می‌گیرند و مجازات‌ها و تنبیهات شدید و نامتناسبی را در مورد عصیان‌کنندگان علیه قوانین وضع می‌کنند که این امر خود عامل تشدید کننده‌ی روح بدبینی و برانگیختن واکنش منفی نسبت به قوانین و نظام‌های موجود اجتماعی است و باعث به وجود آمدن جنبش‌هایی با هدف تغییر در نظام اجتماعی حاکم می‌گردد؛ چراکه جنبش اجتماعی یکی از رفتارهایی است که از روابط متقابل میان افراد در جامعه ناشی شده و پاسخ عده‌ای از مردم نسبت به وضعیت یا مسئله‌ای خاص است. این رفتار جمعی دارای سازماندهی است و افراد جنبش، از طریق آن در پی رسیدن به هدف یا اهدافی هستند^۳. این جنبش‌ها که تلاشی است برای تغییر، حفظ، جایگزینی یا انهدام یک نهاد اجتماعی، هنگامی ایجاد می‌شود که گروهی سازمان یافته، در صدد برمی‌آید تا عناصری از جامعه را تغییر دهد یا آن‌ها را حفظ

۱ - حنّاتی و صادقی اردستانی، ۱۳۶۱، ص ۹۱.

۲ - شمس‌الدین، ۱۳۹۲ هـ.ق، ص ۴۰ و جورداق، ۱۴۱۷ هـ.ق، ص ۲۲۳.

۳ - حنّاتی و صادقی اردستانی، ۱۳۶۱، ص ۹۱ به نقل از وسائل الشیعة، ج ۶ ص ۴.

۴ - جلابی پور، ۱۳۷۹، ص ۶۵.

کند. در این دیدگاه، جنبش‌ها مخالفتی در برابر وضعیت موجود تعریف می‌شوند.^۱ با توجه به آنچه بیان شد، چنین به نظر می‌رسد که جنبش اجتماعی در حین گسترش، خصوصیات جامعه را نیز کسب می‌کند، بدین معنا که دارای سازمان و شکل معینی از رسوم و سنت‌ها، رهبری و تقسیم کار مستمر، مقررات و ارزش‌های اجتماعی می‌گردد. همه‌ی جنبش‌های اجتماعی در مجموعه‌ای از طرح‌ها و ترکیب‌ها همچون داشتن ایدئولوژی به عنوان عامل گردآوری اعضا، سازمان ابتدایی، وجود پیشرو و رهبری که گروه را در حمایت از آرمان‌ها و اهداف جنبش بسیج کند، داشتن برنامه برای نیل به اهداف و ساختار رویداد، مشترک هستند، اما شرایط این ترکیب‌ها، با توجه به خصوصیات موقعیتی که جنبش از آن سرچشمه گرفته و موجودیت یافته، تعیین می‌شود.^۲ این جنبش‌های اجتماعی بر حسب اینکه با چه هدفی سازماندهی می‌شوند، انواع گوناگونی دارند که عبارتند از:

- ۱- جنبش‌های دگرگون‌ساز: که هدفشان دگرگونی فراگیر در جامعه است. تغییراتی که این جنبش‌ها در پی آن هستند، دگرگونی سریع، عظیم، جامع و فراگیر است. جنبش‌های انقلابی یا مذهبی رادیکال از این دسته‌اند.
- ۲- جنبش‌های اصلاح طلب: که هدف محدودتری دارند و می‌خواهند برخی جنبه‌های نظم موجود را تغییر دهند. این دسته به نابرابری و بی‌عدالتی توجه ویژه دارند که به عقیده‌ی نگارندگان گروه صعالیک، عیاران و شولیه‌ها را می‌توان در زمره‌ی دومین دسته برشمرد.

^۱ - تی. کی. اممن، ۱۳۸۶، ص ۱۸۷.

^۲ - تی. کی. اممن، ۱۳۸۶، ص ۲۰۴.

۳- جنبش‌های رستگاری بخش: که در صدد نجات افراد از آن شیوه‌های زندگی هستند که فاسد کننده پنداشته می‌شود. بسیاری از جنبش‌های مذهبی که به رستگاری انسان‌ها توجه دارند، در ذیل این دسته‌اند.

۴- جنبش‌های تغییر دهنده: که هدفشان تغییر جزئی در افراد است و قصد ندارند تغییر کاملی در عادات افراد پدید آورند، بلکه تنها می‌خواهند ویژگی‌های معین را تغییر دهند.^۱

از دیگر عوامل مهمی که همواره در جوامع گوناگون باعث شکل‌گیری نهضت و جنبش‌های اجتماعی می‌شود، تبعیض و نابرابری‌های اجتماعی است. نابرابری اجتماعی وضعیتی است که در چارچوب آن، انسان‌ها به طور مساوی به منابع باارزش، خدمات و موقعیت‌های جامعه دسترسی ندارند و این نابرابری هنگامی روی می‌دهد که افراد و گروه‌ها یکدیگر را درجه‌بندی و سپس ارزیابی کنند.^۲ به طور کلی هرچه رقابت برای به دست آوردن منابع کمیاب، بیشتر باشد، فاصله‌ی اجتماعی بیشتری بین افراد و گروه‌ها به وجود می‌آید. عوامل تاریخی در رابطه با نزاع بر سر قلمرو، منابع، یا عدم تشابهات نژادی، موقعیت اقتصادی وایدئولوژی سیاسی منجر به ایجاد تبعیض که همان الگوهای فاصله‌ی اجتماعی است، می‌شود.^۳ تبعیض می‌تواند به طرق مختلف اعمال شود. درک تبعیض، ارتباط مستقیمی با برداشت‌های فردی و مرزهای درونی و احساسی افراد دارد. به طور مثال، گاه ممکن است یکی از افراد جامعه از تبعیض و نابرابری موجود بسیار رنج ببرد، درحالی‌که فردی دیگر این نابرابری را اصلاً احساس نمی‌کند. تبعیض، رابطه مستقیمی با ساختارهای قدرت اجتماعی دارد. افراد و گروه‌هایی که از

^۱ - علائقند، ۱۳۸۹، ص ۷.

^۲ - لهسایی زاده، ۱۳۸۰، ص ۲.

^۳ - تریاندیس، ۱۳۸۳، ص ۳۳۵.

قدرت و نفوذ اجتماعی کمتری برخوردارند، از حقوق یکسان با سایر افراد و یا گروه‌ها بهره‌ور نیستند^۱. تبعیض، انواع مختلفی دارد و تنها شامل تبعیض طبقاتی و نژادی نمی‌شود. هرچند که این دو مورد، غالباً مبنای سایر محرومیت‌ها و تبعیض‌های غیر انسانی همچون محروم کردن از مشارکت‌های جمعی قرار می‌گیرند.

بر اساس آنچه ذکر شد، باید گفت که در این پژوهش تلاش شده تا در حدّ توان، شباهت‌ها و تا حدودی تفاوت‌های این سه گروه در اصول و آرمان‌های اخلاقی مورد پذیرش این گروه‌ها، تبیین و با ذکر شواهدی آن‌ها را مستدل نماید. هرچند برخی جامعه‌شناسان، نظریه‌ی نسبی بودن ارزش‌ها را با توجه به شرایط مکانی و زمانی جامعه مطرح می‌کنند، اما بر کسی پوشیده نیست که ارزش‌هایی نیز وجود دارند که به طور کلی و در همه‌ی زمان‌ها و نزد همه‌ی اقوام و گروه‌های انسانی، پسندیده و مورد پذیرش بوده و هستند که جستار حاضر به بررسی آن‌ها می‌پردازد. با توجه به این ارزش‌ها که از مشی و منش این جوانمردان در آثار ادبی ملت‌ها به چشم می‌خورد و در سراسر آن پراکنده است، کتاب پیش رو به سه فصل تقسیم شده است که در فصل اول به بررسی عوامل مؤثر در شکل‌گیری گروه هنجارشکن صعالیک در شعر قدیم عربی و بازتاب مؤلفه‌های جوانمردی در ادبیات آن دوره با استناد به اشعار خود صعالیک پرداخته است، در فصل دوم، گروه عیاران در ادبیات فارسی با تکیه بر دو کتاب «سمک عیار» و «ابومسلم‌نامه» و در فصل سوم گروه شوالیه‌ها در ادبیات اروپا با تکیه بر «منظومه رولان»، داستان «رابین هود» و «زورو» مورد بررسی قرار گرفته است. علت گزینش آثار مذکور آن است که صعالیک عرب، قدیمی‌ترین گروه جوانمردان هنجارشکن در ادبیات عربی هستند که شرح اعمال آن‌ها ثبت و ضبط شده

^۱ - لهسایی زاده، ۱۳۸۰، ص ۳.

و دو کتاب «سمک عیار» و «ابومسلم نامه» نیز از قدیمی ترین و در عین حال بارزترین آثار فارسی هستند که مؤلفه های جوانمردی در آنها نمود داشته است. در ادبیات مغرب زمین نیز «منظومه رولان» قدیمی ترین و در عین حال مشهورترین منظومه حماسی است که به دست ما رسیده و داستان های آرتوری در ادبیات انگلیس تحت تأثیر «شانسون دو ژست ها» که همان منظومه های حماسی و پهلوانی فرانسوی هستند، تدوین یافته اند. دو داستان «رابین هود» و «زورو» نیز از یک سوی به دلیل شهرت و محبوبیتی که دارند و از سوی دیگر به این دلیل که مظاهر جوانمردی به خوبی در آنها نمود یافته برای تحلیل در این کتاب انتخاب شده اند.

در این مجال ذکر نکاتی چند ضروری به نظر می رسد، از جمله این که:

(۱) در فصل نخست مؤلفه های جوانمردی در اشعار صعلالیک با استناد به دیوان شعری آنها ذکر و بررسی شده، ولی در فصل دوم و سوم این امر از خلال داستان هایی که پیرامون زندگی و اعمال عیاران ایران و شوالیه های غرب به رشته تحریر درآمده، صورت گرفته و دلیل این امر آن است که صعلالیک عرب خود در زمره شاعران بودند، حال آنکه عیاران و شوالیه ها در سلک ادیبان قرار نداشتند.

(۲) در فصل نخست، موقعیت جغرافیایی و نقش محیط به عنوان یکی از عوامل مؤثر در شکل گیری گروه صعلالیک ذکر شده و بازتاب آن در اشعار آنها در قالب توصیف کمین گاه های صعب العبور، مرکب های تندرو، دشت های وسیع و پرخطر بیان گردیده است، اما در مورد گروه عیاران و شوالیه ها نقش عوامل محیطی در روند شکل گیری این گروه ها و اعمال آنها پررنگ نیست؛ چراکه آداب عیاری مربوط به دوران شهرنشینی ایرانیان است. در مورد شوالیه ها نیز باید یادآور شد که آنها اغلب افرادی نجیب زاده و اشرافی بودند. در رمانها

و منظومه‌های شوالیه‌گری که زیر مجموعه ادبیات درباری اروپا قرار دارد، بیشتر همان عامل اقتصادی و تبعیض اجتماعی سبب شکل‌گیری این دو گروه بیان می‌شود. محیط جغرافیایی به آن میزان که در شکل‌گیری گروه صعالیک و اعمال آن‌ها خود را نشان داد، در زندگی و اعمال عیاران و شوالیه‌ها مؤثر نبود؛ زیرا نظام زندگی شهری و درباری در ایران و اروپا با ساختار زندگی قبیلگی و آداب و رسوم آن که در عصر جاهلی حاکم بود، تفاوت‌های آشکاری دارد. همچنین شاید بتوان گفت یکی از عوامل بارز در بازتاب نقش محیط در اشعار صعالیک آن است که اشعار ذکر شده در باب ارزش‌های اخلاقی و جوانمردی نزد صعالیک از سروده‌های خود آن‌ها بوده که به خوبی توانستند تأثیر این مؤلفه را پررنگ کرده و از باب فخر به اعمال و اصول اخلاقی خویش هم که شده، به صورت ناخودآگاه عوامل جغرافیایی و محیطی در سروده‌های آن‌ها برجسته و بارز گردد؛ چراکه در هر صورت شعر و ادبیات، برخاسته از درون شاعر و ضمیر ناخودآگاه وی است. حال آن که آداب جوانمردی نزد عیاران و شوالیه‌ها در آثار دیگر شاعران و نویسندگان نمود یافته است و بدون شک آن چنان که شایسته و بایسته است، به نقش عامل جغرافیایی اهتمام نداشته و چه بسا به دلیل عدم آگاهی از تأثیر این مؤلفه، آن را به غفلت و فراموشی سپرده‌اند و همچنین شاید بتوان اسب-سواری، خدمت به بانوان دربار، ورود افراد با مشاغل مختلف به آیین عیاری در ایران که نشان می‌دهد. این آیین محصول دوران شهرنشینی ایرانیان است، انداختن پارچه‌های قرمز و یا زرد به گردن در شهر، ذکر نام شهرهای مختلف همچون «مرو»، «حلب»، «مشهد»، «زرنگ»، «استراسبورگ»، «ناتینگهام»، «ساراگوس»، «ملطیه» و نیز اشاره به اصولی نزد عیاران ایران که «هیچ کسی

نباید چیزی را که در یک شهر می‌خرد، در همان شهر بفروشد»، «عیار نباید برای حفظ نام نیک حرفه و شهر خود از هیچ کوششی دریغ ورزد»، «عیاران هر شهر از هم‌مسلمان خود در سایر شهرها و عملکرد ایشان بی‌خبر نبودند» و همچنین «منظومه‌های شوالیه‌گری به همراه سازهای خاص در هنگام اعیاد در کاخ اعیان یا در میدان شهر خوانده می‌شد»، در کنار اشاره به واژگانی که بیانگر زندگی پادشاهی و شهرنشینی است از جمله: «دربار نصر سیار»، «دربار حاکم اصفهان»، «دربار شارلمانی»، «دربار سانچوی دوّم»، «دربار بریتانیا»، «دربار شاه آرتور»، «دربار شاه مارک»، «شوالیه دربار» و نیز «خدمت به پادشاه و خانواده‌ی دربار» که از وظایف اصلی شوالیه بود یا اینکه «شوالیه باید خود را کاملاً وقف ازدواج یا نامزدی یک زن در دربار یا بارگاه ارباب فتودال کند» و این نکته که «عشق شوالیه‌ها، عشقی درباری یا فاخرانه بود و در دربارهای پادشاهی به وجود می‌آمد». به همراه لفظ پادشاه که در داستان عیاران و شوالیه‌ها به وفور ذکر شده است، به خوبی بیانگر محیط درباری و غیر بدوی دو گروه اخیر است. به همین دلیل است که نگارندگان در فصل اوّل به محیط جغرافیایی زندگی صعلیک اشاره کرده‌اند و در دو فصل بعد از این موضوع سخن به میان نیاورده‌اند.

در پایان ضمن اشاره به سختی‌های این کار از جمله دسترسی به منابع و مآخذ لاتین و مغایرت نسخه‌هایی که به دست ما رسیده و نیز کمبود عکس‌ها و پوسترها، از اینکه خوانندگان عزیز خطاهای این پژوهش را به دیده اغماض می‌نگرند و با یادآوری آن‌ها، ما را در تصحیح این اثر در چاپ‌های بعدی یاری می‌کنند، کمال تشکر را داریم و امیدواریم که این جستار مختصر توانسته باشد تا حدّ امکان، چراغی فرا روی پژوهندگان عرصه ادبیات به

طور عام و ادبیات تطبیقی جهان به طور خاص برافروزد تا در مکتوبات آتی تاریکی‌های تاریخ بیش از پیش روشن و پیوندهای مشترک ادبیات ملل جهان به مراتب آشکارتر و محکم‌تر گردد.